

## ● سخنرانی‌های همایش چشم‌انداز تحولات خاورمیانه

### انتفاضه و روند سازش

ابوالقاسم قاسم‌زاده<sup>۱</sup>

تعهد امریکا به بقا و امنیت اسرائیل بسیار ریشه‌دار است. بسیاری از مدافعان اسرائیل می‌گویند ایالات متحده باید از موضع دولت لیکود تا آخر پشتیبانی کند. می‌گویند اسرائیل هیچ یک از سرزمین‌های اشغالی- کرانه غربی، نوار غزه و ارتفاعات جولان- را نمی‌تواند به اعراب بازگرداند، مگر آن که امنیت خودش به خطر بیافتد. حتی بر ادعای توراتی حزب لیکود صحنه می‌گذارند و کرانه غربی را که یهودا و سامره می‌گویند از لحاظ تاریخی از آن اسرائیل می‌دانند. حمایت از بقا و امنیت اسرائیل کار درستی است. اما حمایت از درخواست‌های افراطی حکومت فعلی اسرائیل درست نیست.

نیکسون سپس به سه دلیل برای ادامه

نیکسون رئیس‌جمهور سابق امریکا کسی است که از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۹۰ در میدان سیاست بود. وی کتابی دارد با عنوان "Seize The Moment" فرصت را دریابیم. وی این کتاب را وصیت‌نامه سیاسی خود به دولت‌مردان کشورش برای رهبری جهان تک‌قطبی می‌داند. این کتاب پس از فروپاشی شوروی در پایان جنگ خلیج فارس و آغاز دور جدید از مذاکرات کمپ دیوید ۲ در نیمه دوم زمامداری جرج بوش اول نوشته شده است و فصلی دارد به نام جهان اسلام که در آن چنین می‌نویسد: "منافع اصلی امریکا در خاورمیانه نفت و اسرائیل همواره با یکدیگر کاملاً سازگار نیستند. از یک سو تعهد ما در مقابل اسرائیل گاهی از لحاظ دسترسی به نفت خلیج فارس به قیمت بازار آزاد بسیار به زیان ما تمام شده است.

۱. دکتر ابوالقاسم قاسم‌زاده، مشاور وزیر امور خارجه است.

توانایی ما برای همکاری با کشورهایی که رهبران تجدید نظر طلب و هوادار غرب دارد می‌کاهد. اشغال سرزمین‌های اعراب توسط اسرائیل و به خصوص رفتار این کشور با فلسطینی‌ها که روز به روز خشونت آمیزتر می‌شود جهان اسلام را قطبی کرده و به گرایش‌های افراطی دامن زده و میانه رویایی چون مبارک را تضعیف کرده است. همه رهبران مسلمان از آرمان‌های مشروع فلسطین حمایت می‌کنند- (این نکته مهمی است که نیکسون در کتابش بدان اشاره کرده است). - و انتفاضه که کار را برای نیروهای اسرائیلی دشوار کرده، دفاع مسلحانه و مشروع می‌نامند و از مقوله تروریسم نمی‌دانند.

دلیل سوم: نزاع اعراب و اسرائیل بیش از همه در مناطق خطرناک جهان ممکن است پای آمریکا را به جنگ اتمی بکشاند. چند سالی بعد از این کتاب، شیمون پرز کتابی تحت عنوان "طرح خاورمیانه جدید" ارائه داد، که در آن توسعه اراضی را بررسی مجدد و توسعه نفوذ را نظریه پردازی کرد. با طرح خاورمیانه جدید از سوی شیمون پرز و سپس حرکت اسحاق رابین و پیمان اسلو و نشست‌های متعدد در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ منطقه خاورمیانه حالت نه جنگ و نه صلح را گرفت. اگرچه با

مذاکره براساس نسخه زمین در برابر صلح اشاره می‌کند که چنین است:

دلیل اول و مهمترین دلیلش تأثیرگذاری بسیار ناگوار وضع موجود بر بودجه کمک‌های خارجی امریکا است. نیکسون می‌نویسد: در سال ۱۹۹۱ مصر و اسرائیل روی هم ۶۰ میلیون جمعیت داشتند و بیش از ۴۰ درصد از کمک‌های خارجی امریکا را که بالغ بر یک میلیارد دلار بود صاحب شدند، از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰ امریکا از راه کمک‌های خارجی مستقیم و غیرمستقیم بیش از ۴۹ میلیون دلار به اسرائیل وام داده است. گذشته از این بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۹ اسرائیل ۱۶/۴ میلیارد دلار دیگر به صورت وام دریافت کرد که بعداً به هدیه از سوی امریکا تبدیل شد. برای ایجاد توازن در معادله خاورمیانه امریکا بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۱ مبلغ ۲۸ میلیارد دلار به صورت کمک خارجی به مصر داده است. علاوه بر این که ما هزینه بخش بزرگی از بودجه دفاعی مصر و اسرائیل را تعهد کرده‌ایم. ۶/۸ میلیارد دلار وامی را که مصر هیچ وقت نمی‌توانست پس بدهد به این کشور بخشیده‌ایم.

دلیل دوم: نزاع اعراب و اسرائیل، روابط امریکا با جهان اسلام را مسموم می‌کند و از

سازمان کنفرانس اسلامی از سوی سران دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی حد شرکت خود را مشروط به قطع روابط و بستن دفتر اقتصادی اسرائیل در دوحه کردند. چرخش زمان و تغییرات مفاهیم سیاسی در کمتر از یک دهه در منطقه خاورمیانه در بررسی مفهوم چنین تقاضایی از قطر باید موجب عبرت همگی ماباشد.

اسرائیلی‌ها در دهه ۹۰ همه کاری برای آماده‌سازی خود جهت ورود به قرن جدید کردند و لذا اگر بخواهیم افق آینده صهیونیسم در خاورمیانه را دریابیم باید عملکرد سیاسی، نظامی و اقتصادی رژیم صهیونیستی در یک دهه گذشته را بازشناسی کنیم، که در این نوشته به اصلی‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

۱. تبیین نظری و عملی پیوند استراتژیک آمریکا به طور خاص و غرب به طور عام با اسرائیل.

۲. ساماندهی رشد فوق‌العاده گروه‌های فشار صهیونیستی و ایجاد سازمان‌های غیردولتی متفاوت و گوناگون در اغلب کشورهای جهان. (لابی صهیونیست‌ها در اکثر کشورها و به خصوص در مجالس قانون‌گذاری آنها).

۳. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب جهت

ترور رابین و تغییر دولت از حزب کار به لیکود به سرسختی نتانیاها و تلاطم‌های جناحی درون احزاب در اسرائیل طرح زمین در برابر صلح نه سرعت و قدرت اجرایی پیدا کرد و نه برای همیشه بایگانی گردید. درحالت یأس و امید اسرائیلی‌ها برای خود زمان خریدند و به طرح تثبیت سیاسی رژیم صهیونیستی اقدام کردند. در یک دهه گذشته اصلی که هر دولتی که رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسد مورد تحریم و انزوای سیاسی و اقتصادی از سوی دولت‌های عربی و اسلامی قرار خواهد گرفت، تبدیل به مسابقه برای برقراری ارتباط و شناسایی دولت اسرائیل شد. صهیونیست‌ها نه زمین دادند و نه خواهان صلح واقعی می‌باشند. اما از طرح خاورمیانه جدید و شعار زمین در برابر صلح در فاصله سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ خود را در جهانی که آغاز پایان جنگ سرد و فروپاشی مفهوم جهانی دو ابرقدرتی نام گرفت به عنوان یک رژیم سیاسی طبیعی و قابل پذیرش تثبیت گردید. در این تثبیت مسابقه‌ای که برخی از کشورهای عربی و اسلامی برای شناسایی صهیونیست‌ها و تنظیم روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی برقرار کردند نقش مؤثری داشت. فضای سیاسی و افق آینده جهان دگرگون گردید و داشتن روابط با اسرائیل به مرحله‌ای رسید که برای تشکیل

از اغلب کشورهای اروپایی و نگهداری خود در وضعیت اقتصادی قابل قبول در برابر انواع بحران‌ها.

۹. شناسایی اغلب بازارهای کار و کالا در کشورهای منطقه به خصوص در منطقه غرب آسیا.

۱۰. برنامه‌ریزی برای رشد دانش علمی، فنی و کاربردی برای فروش آن در آینده در بازار برنامه‌های توسعه کشورهای منطقه.

۱۱. ادغام توسعه ارضی در توسعه نفوذ درک این معادله که برای برقراری توسعه نفوذ زمینه‌های توسعه ارضی را همچنان در اختیار خود خواهد داشت.

هر یک از این محورها چه به لحاظ سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی برای دریافت و ارزیابی دقیق‌تر از آن می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در پایان از دو خط در دو جهت متفاوت سیاسی و فکری در کشورهای عربی به خصوص در میان روشنفکران و دولت‌های خاورمیانه اعم از عربی و غیرعربی یاد می‌شود که آینده رژیم صهیونیستی، روند سازش به تبیین و اجرای موفق هر یک از آنها بستگی دارد، زیرا آینده رژیم صهیونیستی در خاورمیانه علاوه بر تحولات درونی آن به چگونگی دگرگونی‌ها و موقعیت بیرونی از

مهاجرت یهودیان شوروی سابق و بهره‌گیری از دانش تخصصی آنها و شکار علمی از ظرفیت بسیار بالای شوروی سابق.

۴. آموزش برخی از یهودیان سابق در داخل اسرائیل و بازگشت مجدد آنها به کشور پهناور شوروی سابق از روسیه سفید تا منطقه قفقاز و سراسر آسیای مرکزی.

۵. ضربه یا آهنگ مداوم تبلیغی، سیاسی برای تثبیت حالت نه جنگ و نه صلح با کشورهای عربی و تبیین مفهوم پایان همیشگی جنگ فراگیر و عدم توان جنگ کلاسیک از سوی کشورهای عربی با اسرائیل این مفهوم امروز به صورت یک باور پایدار در بین دولت‌های منطقه درآمده است.

۶. عدم امضای هرگونه قرارداد منع سلاح‌های هسته‌ای و میکروبی و کشتار جمعی و راهسازی شایعات و اخبار مربوط به دستیابی اسرائیل به سلاح‌های فوق مدرن و موشک‌های دارای کلاهک‌های هسته‌ای.

۷. ایجاد چتر تهدید امنیتی علیه ایران و سوریه از طریق قراردادهای نظامی امنیتی و جاسوسی با ترکیه و سرپل قرارداد این کشور برای ورود به منطقه قفقاز به خصوص جمهوری آذربایجان در همسایگی ایران.

۸. دریافت وام بدون بازپرداخت از امریکا و

هزاران شهید از جنبش حزب‌الله، امل و مجموعه مقاومت اسلامی و حتی از مسیحیان وفادار به حفظ استقلال و تمامیت ارضی لبنان شکل گرفت.

این خط اکنون در شکل انتفاضه همچون انفجار عظیم در داخل فلسطین اشغالی با فلسطینیان پیوند خورده است. این خط مانع اصلی افزون‌طلبی صهیونیستی و استحالهٔ قدس می‌باشد. خط مقاومت نه خط تعدیل است و نه خط پذیرای طرح تمکین، تمکین درخواست‌های فلسطینی را یک امتیاز نمی‌داند، بلکه از آن مفهوم باز پس‌گیری حق از دست رفته را می‌خواهد. بنابراین مشکل اصلی صهیونیست‌ها در آینده چه در داخل و چه در خارج از منطقه حتی در کشورهایمانند مصر و ترکیه مقابله با خط مقاومت خواهد بود. خط مقاومت اینک تنها تعریف نظامی ندارد، بلکه تبدیل به یک فرهنگ شده است. فرهنگ نفی همزیستی با صهیونیست‌ها به عنوان تفکر نژادپرستانه و آخرین حلقه زنجیرهٔ این تفکرشان درجهان.

با تداوم و گسترش این خط اسرائیلی‌ها با دو تضاد اصلی و رشد یابنده مواجه خواهند شد تضاد در درون و نسل سوم اسرائیلی‌ها که پذیرای زندگی پادگانی نیستند و لحظه به لحظه

داخل اسرائیل در میان کشورهای همسایه او و در حوزهٔ خاورمیانه از خلیج فارس تا آفریقا بستگی دارد.

نگرانی اول، خط تعدیل و تمکین است که دولت حسنی مبارک اینک پرچمدار آن می‌باشد. تعدیل مقاومت و هرگونه انتفاضه و تمکین در برابر حداقل امتیاز اهدایی از سوی امریکا و اسرائیل از جانب فلسطینیان. منطق اصلی این خط فکری پایان بخشیدن به تضاد و کسب و قانع بودن به حداقل امتیاز و در وادی سیاست تفاوت بسیاری بین امتیاز و مفهوم حق وجود دارد. اگر براساس این نگرش بخواهیم آیندهٔ رژیم صهیونیستی و روند سازش را در منطقه ارزیابی کنیم می‌بایست دورنمای سلطه‌طلبی همه جانبه‌ای را متصور باشیم که در آن علاوه بر طرح تمکین در برابر طرح توسعه نفوذ توسط اسرائیلی‌ها در آینده مفهوم و چارچوب همزیستی مسالمت‌آمیز نیز با تعریف اسرائیلی‌ها شکل خواهد گرفت و به قول یک ضرب‌المثل ایرانی در این معادله تعدیل و تمکین آش را با جایش یا کاسه‌اش یک‌جا خواهیم داد. در برابر چنین نگاهی خط مقاومت ایستاده است.

نگرش دوم: خطی که در لبنان از موسی صدر، شهید چمران و در مسیر آن با شهادت

کشمکش و جدال به سر می‌برند. آینده صهیونیست‌ها به سه واژه آب، انرژی و امنیت بستگی دارد. بنابراین صهیونیست‌ها در برابر خط مقاومت نگاه به آینده خود را در خاورمیانه با نگاه امریکا و هر چه بیشتر درگیر کردن آن با عنوان ابرقدرت گره زده‌اند تا با نفوذ استراتژیک امریکا طیفی بسازند که مفهوم همزیستی در زیر چتر امنیتی واشنگتن امکان‌پذیر گردد. آیا در معادلات قدرت، قطب‌بندی‌های آینده و سیر حرکت طوفانی مفهوم جهانی شدن چنین قدرتی برای مانور تک ابرقدرتی امریکا فراهم خواهد شد؟ این سؤالی است که جواب‌های آن آینده سازش و رژیم صهیونیستی را روشن خواهد کرد.

هویت ملی را مورد تردید و سؤال قرار می‌دهند. به خصوص برای اکثریت شهروندان لائیک و غیرمذهبی آن که در کنگره اخیر خود نیز از تیرگی آینده و عدم برقراری کشوری در رفاه و تفاوت‌های نژادطلبانه در مجموعه دو طیف یهودیان شرقی و غربی یاد کرده‌اند. تضاد بیرونی که رژیم صهیونیستی در افق آینده خود همچنان در خاورمیانه با آن مواجه خواهد بود، عدم امنیت پایدار و ظرفیت پذیرش در جوامع این کشورها از عربی و غیرعربی می‌باشد.

اسرائیلی‌ها در طول یک دهه گذشته با همه تلاش‌های خود هنوز نتوانسته‌اند جای پای محکمی در بازار اقتصادی و تجاری خاورمیانه برای خود باز کنند و همچنان با دو مسأله انرژی و آب برای آینده حیات خود در خاورمیانه در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی